

تقابل چند جانبه‌گرایی و یکجانبه‌گرایی در جامعه جهانی

مهدی اشتری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۳

علی پورقصاب امیری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۵

فخرالدین ابونیه^۳

چکیده

چندجانبه‌گرایی در عرصه بین‌الملل به معنای ائتلاف چند کشور برای پیشبرد یک هدف مشترک است. از طرف دیگر یکجانبه‌گرایی هر گونه آموزه یا برنامه‌ای است که از اقدام یکجانبه حمایت می‌کند. چنان اقدامی ممکن است با بی‌اعتنایی به جانب‌های دیگر یا همراه با ابراز تعهد به سمت و سوی باشد که دیگر جانب‌ها با آن موافق باشند. یکجانبه‌گرایی به عنوان نقیضی برای چندجانبه‌گرایی است. تفاوت‌های چندجانبه‌گرایی و یکجانبه‌گرایی در سه مشخصه اصلی یا سه ویژگی بنیادی؛ غیرقابل تقسیم بودن، اصول کلی رفتار و معامله به مثل پراکنده است. حقوق و روابط حقوقی در بین‌الملل محصول همگرایی و چندجانبه‌گرایی است. یکجانبه‌گرایی اگرچه در همه موارد یک امر نامشروع و خلاف قواعد حقوقی تلقی نمی‌شود، اما خلاف روح، ارزش‌ها و اهدافی است که حقوق بین‌الملل عرفی و معاهده‌ای هر دو دنبال می‌کنند. ایالات متحده و همراهانش به دنبال این تفکر هستند که آمریکا امر خطیر حفظ نظم عمومی جهان را بر عهده گرفته و برای انجام صحیح آن نمی‌توان صرفاً به نظام قراردادی بین‌الملل و حقوق جهانی متکی بود، بلکه آمریکا باید بتواند بصورت بین‌المللی و فاق از قیدهای نهادهای حقوقی جهانی به افزایش سطح هنجارها و ارزش‌هایی چون آزادی، دموکراسی و حقوق بشر بپردازد، حتی اگر نقض حقوق بین‌المللی صورت بگیرد در حالیکه کلیه پیشرفت‌های اتحادیه اروپایی طی دهه‌های گذشته، چه در زمینه داخلی و چه در زمینه سیاست خارجی مبتنی بر نظم چندجانبه‌گرایانه بنا نهاده شده است. چین نیز مدعی است می‌کند که از یک روش توسعه علمی، مستقل، باز، صلح‌آمیز، مشارکتی و مشترک پیروی می‌کند. توسعه صلح‌آمیز، مشارکتی و مشترک به طور مستقیم در ارتباط با رویکرد چندجانبه‌گرایی چین نسبت به کشورهای خارجی است.

کلمات کلیدی: چندجانبه‌گرایی، یکجانبه‌گرایی، حقوق بشر، منطقه‌گرایی و فردمحوری، اتحادیه اروپا و ایالات متحده

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران
^۲ استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (نویسنده مسول)

Ali.amiri20211399@gmail

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

چندجانبه‌گرایی در عرصه بین‌الملل به معنای ائتلاف چند کشور برای پیشبرد یک هدف مشترک است. اقدام گروهی متشکل از سه دولت یا بیشتر بر اساس مقررات بین‌المللی و یا پیمان‌های بین‌کشورها یا اقدامی میان آنهاست. آن همچنین یک آلترناتیو و مکمل روابط دوجانبه بر مبنای حقوق بین‌الملل و مقررات نهادهای بین‌المللی است. بریج و آلن جیمز^۱ نویسندگان فرهنگ دیپلماسی، چندجانبه‌گرایی را وسیله روابط در میان سه یا بیشتر از سه کشور در روابط دائمی یا موقت بر اساس حقوق بین‌المللی می‌دانند. آنها معتقدند که مطالعات حقوقی و دیپلماتیک اهمیت فزاینده‌ای در شکل دو جانبه برای دستیابی به دیپلماسی چندجانبه یافته است (Wiseman, ۲۰۱۱: ۷). رابرت کوهن چندجانبه‌گرایی را عمل تطبیق و هماهنگی سیاست‌های ملی در بین سه یا بیشتر از سه کشور با ترتیبات موقت یا به وسیله نهادهای بین‌المللی و حقوقی می‌داند (Schechter, ۱۹۹۹, ۲۸). روگی با بررسی مجموعه‌ای از مصادیق چندجانبه‌گرایی که مورد اتفاق عموم بود به این نتیجه رسید که وجه مشترک ترتیبات چندجانبه وجود مجموعه قواعدی است که مناسبات میان گروهی متشکل از سه دولت یا بیشتر را مطابق با اصول عمومی رفتار تنظیم می‌کند (گریفیتس، ۱۳۸۸). از طرف دیگر یک‌جانبه‌گرایی هر گونه آموزه یا برنامه‌ای است که از اقدام یک‌جانبه حمایت می‌کند. چنان اقدامی ممکن است با بی‌اعتنایی به جانب‌های دیگر یا همراه با ابراز تعهد به سمت‌وسویی باشد که دیگر جانب‌ها با آن موافق باشند. یک‌جانبه‌گرایی به‌عنوان نقیضی برای چندجانبه‌گرایی رایج شده است. این آموزه بر منفعت‌های مشارکت تعداد هرچه بیشتر جانب‌ها تأکید دارد. این دو لفظ به همراه یکدیگر ممکن است به تفاوت‌هایی در رویکردهای سیاست خارجی به مسائل بین‌المللی اشاره کنند. وقتی توافق جانب‌های متعدد لازم است حامیان یک‌جانبه‌گرایی معمولاً توافقات دوجانبه را ترجیح می‌دهند. در این تحقیق نگارنده بر آن است تا با درک و استنباط از فضای حقوقی بین‌المللی به این مسئله بپردازد که یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی چه تفاوت‌هایی دارند و تقابل یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی در جامعه جهانی چه مسائلی را ایجاد می‌کند؟

۲- چارچوب نظری تحقیق

چندجانبه‌گرایی واژه‌ای است که توسط مایلز کاهلر با عنوان "حکومت بین‌المللی" یا حکومت جهانی "با اشخاص بسیار" مفهوم بندی شده است. رابرت کوهن چندجانبه‌گرایی را "هماهنگ سازی میان سیاست‌های ملی در گروه‌های سه یا چند دولت" می‌داند. هسته اصلی این مفهوم، مخالفت با "موافقتنامه‌های تبعیض آمیز دوجانبه" بود که اعتقاد بر این بود که آن موافقتنامه‌ها، قدرت نفوذ قدرتمندان بر ضعفا را افزایش داده و موجب افزایش درگیری‌های بین‌المللی می‌گردد. جان راجی این مفهوم را بر مبنای اصول "تفکیک ناپذیری" و "عمل متقابل گسترده همراه با توزیع در جهات مختلف" در «روابط بین الملل» که روابط میان سه یا چند دولت را براساس «اصولی عمومی» و رفتاری به شکلی «نهادی» تعریف می‌نماید. این رفتار از طریق یک گروه یا نوعی از اقدامات، بدون در نظر گرفتن منافع خاصی از احزاب و یا نیازهای استراتژیک که ممکن است در هر وقوع وجود داشته باشد، تناسب خواهد داشت. چندجانبه

^۱ - Berridge and Alan James

گرایی، به شکل عضویت در نهادهای بین المللی، به منظور ملزم ساختن بازیگر (ان) قدرتمندی به خدمت گرفته می‌شود تا از روش یک جانبه گرایانه جلوگیری به عمل آید. چندجانبه گرای به کشورهای کوچک کمک می‌نماید که با گردهم آمدن بتوانند به صورتی دسته جمعی اطمینان یابند که قدرت بزرگ‌تر را ملزم به تعهدی مشخص نمایند. یک قدرت بزرگ نیز هنگامی که دست یافتن به اهداف خود را از طریق روابط دوجانبه با هزینه بالا ارزیابی نماید، با اتخاذ شیوه چند جانبه گرایانه بتواند بر یک کشور قدرتمند دیگری اعمال نفوذ نماید (احقایی، ۱۳۹۸، ص ۱۳). اتحادیه اروپایی و دولت ایالات متحده آمریکا به منزله دو بازیگر مهم در عرصه حقوق بین الملل، نقش یکجانبه گرایانه- خاص گرایانه ای را در حقوق بین الملل ایفا می کنند این دو موجودیت. با اتخاذ مواضع و اعمال متفاوت، رویکرد یکجانبه گرایانه را در قبال حقوق بین الملل نهادینه کرده اند (تسخیری، ۱۳۹۷، ص ۱۶۳).

۳- مشخصه های متعارض چندجانبه گرای و یکجانبه گرای

تفاوت های چندجانبه گرای و یکجانبه گرای در سه مشخصه اصلی یا سه ویژگی بنیادی؛ غیرقابل تقسیم بودن، اصول کلی رفتار و معامله به مثل پراکنده است (۵۳: ۱۹۹۳، Caporaso) که در ادامه شرح داده می شود:

۳-۱- غیرقابل تقسیم بودن

اصل غیرقابل تقسیم بودن در چندجانبه گرای اشاره به صلح و امنیت در عرصه بین المللی دارد. روگی غیرقابل تقسیم بودن را اصل تفکیک ناپذیر یک سیستم امنیت دسته جمعی می داند (Ruggie, ۱۹۹۲: ۵۶۹). مفروضه غیرقابل تقسیم بودن، جنگ در برابر یک کشور را به طور خودکار جنگ در برابر همه فرض می کند. بر اساس این اصل، اجتماع کشورها متعهد به پاسخ در برابر تهدیدات یا تهاجم واقعی ابتدا به وسیله روشهای دیپلماتیک و نهادهای حقوق بین المللی، سپس با ابزار تحریم اقتصادی و در نهایت در صورت لزوم با به کارگیری دسته جمعی زور طبق مقررات بین المللی و سازمان ملل متحد می باشند. چشم انداز امنیت دسته جمعی، غیرقابل تقسیم بودن صلح و حرکت به سمت کاهش طبیعی تجاوز و پایبندی به مقررات و نهادهای بین المللی است. در سیستم امنیت دسته جمعی کشورها همگی امنیت اعضای سیستم را چنان مورد توجه قرار می دهند که گویی امنیت آنها مطرح است و انتظار بر آن است که سیاست های ملی در خدمت سیاست های سیستمی قرار گیرد و حتی در صورت ضرورت به نفع سیستم وارد جنگ شد (قاسمی، ۱۳۸۲: ۲۵۶). به گفته کی گلی، اصل غیرقابل تقسیم بودن در مواجهه با موضوعات دیگر از جمله تهدیدات اجتماعی، محیطی یا اقتصادی و حقوقی نیز به طور غیرمستقیم قابل اجرا است (Kingsley, ۲۰۰۹: ۳۶).

۳-۲- رفتار در اصول کلی

اصول کلی رفتار معمولاً در شکل هنجارها و نرم های پذیرفته شده کلی (نه جهانی) به جای روابط مورد به مورد و بر اساس اولویت های فردی، ضرورت های موقعیتی یا زمینه های پیشینی اولیه مانند ایدئولوژی، مذهب و غیره است (۵۴: ۱۹۹۳، Caporaso). این اصل، عنصر اساسی تطبیق و هماهنگی

امور حقوقی - سیاسی بین کشورهای مختلف است. روگی استدلال می‌کند که چندجانبه‌گرایی نه یکجانبه‌گرایی شکل نهادی عام زندگی بین‌المللی در دوران معاصر است و در صورتی از آن می‌توان بحث کرد که دولت‌ها روابط خودشان را با یکدیگر مطابق معیارهای یا اصول معینی اداره کنند (Ruggie, ۱۹۹۳: ۱۱). اصول کلی رفتار، الزام کشورها به واکنش در برابر متجاوز در هر زمان و هر مکانی که اتفاق بیفتد، نه بر اساس وضعیت‌های دلخواهانه بلکه بر اساس معیارها و قوانین بین‌المللی است. این اصل مشارکت برابر کشورهای عضو را تحت نهادهای چندجانبه برجسته می‌کند.

۳-۳-مقابله به مثل پراکنده

اصطلاح عمل مقابله به مثل پراکنده توسط رابرت کوهن در مطالعات چندجانبه‌گرایی مورد استفاده قرار گرفت. روگی این اصل را ترتیبی می‌داند که توسط کشورهای عضو یک سیستم امنیت دسته‌جمعی در پاسخ به متجاوز در هر زمان و هر مکانی اتخاذ می‌شود (Ruggie, ۱۹۹۳: ۱۱). مزایای حاصل از پیگیری هدف مورد نظر بلافاصله به دست نمی‌آید، بلکه در طول زمان از مشارکت فعال همه طرف‌های عضو یک‌جا روی هم انباشته می‌شود. کاپراسو نیز همانند روگی عمل مقابله به مثل پراکنده را تنظیم منافع کوتاه مدت برای دستیابی به اهداف و منافع بلندمدت می‌داند. وی معتقد است که بازیگران به دنبال دستیابی به منافع بلندمدت در اکثر موضوعات به جای منافع کوتاه مدت در هر زمان و در هر موضوعی می‌باشند (Caporaso, ۱۹۹۳: ۵۴). به‌طورکلی با توجه به اصل مقابله به مثل پراکنده کشورها در برخورد با عواقب منفی اقدامات امروز تا زمانی که امیدی برای دستیابی به منافع در آینده وجود دارد خشنودند.

۴-یکجانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل

حقوق و روابط حقوقی در بین‌الملل محصول همگرایی و چندجانبه‌گرایی است. یکجانبه‌گرایی اگرچه در همه موارد یک امر نامشروع و خلاف قواعد حقوقی تلقی نمی‌شود، اما خلاف روح، ارزش‌ها و اهدافی است که حقوق بین‌الملل عرفی و معاهده‌ای هر دو دنبال می‌کنند. بدیهی است که دولت‌ها در چارچوب قواعد ملی خود مجازند استانداردها و قوانین خاص خود را وضع و در محدوده سرزمین و قلمرو خود آنها را به اجرا گذارند، اما زمانی که محدوده اجرا یا اثرگذاری تصمیمات ملی به فراتر از قلمروی موضوعی یا سرزمینی دولت‌ها تسری می‌یابند، دولت‌ها و موضوعات متأثر امکان مداخله و اظهارنظر در فرایند وضع و تثبیت آن قوانین و هنجارها را نداشته‌اند، یکجانبه‌گرایی چهره منفی و ضد ارزشی خود را به نمایش می‌گذارد. اصل مسلمی در حقوق بین‌الملل وجود دارد که به موجب آن یک دولت نمی‌تواند تعهداتی را بر دیگر دولت‌ها یا سایر موضوعات حقوق بین‌الملل بدون رضایت آنها تحمیل کند. اقدامات و تصمیمات یکجانبه حتی با اهداف و مقاصد موجهی چون حمایت از محیط زیست نیز هیچگاه مورد پذیرش جامعه حقوقی بین‌المللی نبوده است. دنیای کنونی با یکجانبه‌گرایی‌های افراطی در تئوری و عمل مواجه است که کارکرد و موضوعیت حقوق بین‌الملل را با چالش‌های گریزناپذیری مواجه ساخته است (علومی یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴).

۴-۱- یکجانبه گرایی و تحمیل الگو

فلسفه اصلی برگزاری کنفرانس های همگانی برای تصویب معاهدات وصول به یک توافق جهانی بر اساس اصل تساوی است، روندی که با ضمانت برابری همه کشورها، عام گرایی و چندجانبه گرایی حقوقی را تأیید می کند (Bradford & Posner, ۲۰۱۱: ۸). از این رو بی توجهی به حقوق معاهدات، یکجانبه گرایی و خاص گرایی شناخته می شود، با این بیان که دولت ها و موجودیت های دارای قدرت هنجارسازی فراملی بیش از آنکه تمایل به پذیرش سیستم بین المللی باشند، به دنبال تولید هنجارهای موافق با ارزش ها و منافع خود هستند و سعی می کنند این هنجارها را در قالب رسمی و قانونی بگنجانند، اما اگر در این باره موفق نشوند، ضمن رد معاهدات و اسناد جهانی بر آن می شوند تا الگوی هنجاری خود را پیگیری کرده و مشروع جلوه دهند. این دولت ها، دولت های دیگر را با الگوی خود همراه یا به اجبار وادار به همراهی می کنند (Nolte & Aust, ۲۰۱۳: ۴۳۶).

تفاوت عمل یکجانبه گرا را نباید اتفاقی دید بلکه آن نوع طرح مبتنی بر ایدئولوژی است و موجودیت یکجانبه گرا اجرای قواعدی یکسان برای تمام موارد را مغایر عدالت می بیند و مدعی است که هر مورد دارای مشخصات ویژه خود است و بنابراین باید از قوانین ویژه استفاده شود. این نوع کشورها به دنبال توجهی برای اجرای قواعد استثنایی خود بوده و در برابر نقض قواعد بین المللی و همگانی از سوی دیگران ایستادگی می کند (Safrin, ۲۰۰۸: ۱۳۰۷)؛ به عبارتی یکجانبه گرا در حین تجاوز از قوانین همگانی و بین المللی دیگر را مجبور به تبعیت از همان قوانین می کند (Cohen, ۲۰۰۳: ۵۵۲). حتی ویژگی دیگرش عدم پیروی از قوانین و مقررات عمومی و انتخاب شیوه ای جدا می باشد بطوریکه دیگر دولت ها را مجبور می سازد تا مشروعیت این عملش را پذیرا گردند بدون اینکه خود اقدام به ابداع و یا عمل خلاف قواعد عمومی نماید (Bradford & Posner, ۲۰۱۱: ۱۰). از این نظر یکجانبه گرایی به منزله رفتار ستیزه جو در حقوق بین الملل فهمیده می شود (Czina, ۲۰۱۶: ۳).

ایالات متحده و همراهانش به دنبال این تفکر هستند که آمریکا امر خطیر حفظ نظم عمومی جهان را بر عهده گرفته و برای انجام صحیح آن نمی توان صرفاً به نظام قراردادی بین الملل و حقوق جهانی متکی بود، بلکه آمریکا باید بتواند بصورت بین المللی و فاق از قیدهای نهادهای حقوقی جهانی به افزایش سطح هنجارها و ارزش هایی چون آزادی، دموکراسی و حقوق بشر پردازد، حتی اگر نقض حقوق بین المللی صورت بگیرد (Bogdandy & Dellavalle, ۲۰۰۸: ۳۶-۳۷). بر اساس این منطق است که آمریکا از پذیرش بسیاری از معاهدات سرباز زده و بدون اجازه از شورای امنیت اقدام به عملیات نظامی می کند (Bradford & Posner, ۲۰۱۱: ۳). معیار برتری منافع ملی سبب شد تا آمریکا یکجانبه گرایی را جایگزین چندجانبه گرایی نماید (Orentlicher, ۲۰۰۳: ۴۲۷).

۴-۱-۱- اتکا به قدرت سخت

آمریکا مدعی حافظ نظم و امنیت جهانی است و تلاش می کند تا دیگر کشورها را قانع نماید که این دولت حق دارد برای حمایت از امنیت جهانی و لیبرال دموکراسی از مولفه نظامی استفاده نماید، بنابراین

بسیاری از حقوقی‌ها، بسیاری از حرکت‌های خاص و یکجانبه‌گرایانه آن را به مولفه نظامی و بکارگیری آن بطور بالقوه یا بالفعل می‌دانند (Safrin, ۲۰۰۸: ۱۳-۱۴). البته این نکته نیز ضروری است که در صورت روی کار بودن حزب جمهوری خواه، دولت مردان تمایل بیشتری به توسل به ابزار نظامی و سخت‌داری و با روی کار آمدن دموکراتها، این توسل و تمایل کاهش می‌یابد، اما به دلیل وجود زمینه‌های لازم و ضروری برای اقدامات نظامی در نقاط مختلف جهان، مولفه نظامی همواره برای دولت آمریکا به منزله گزینه روی میز مطرح بوده که تمامی روسای جمهور هر دو حزب، در نظر و عمل از مولفه فوق بهره برده‌اند.

۴-۱-۲- خاص‌گرایی از نوع حاکمیت

در خاص‌گرایی منفعت‌است و تمایز یکجانبه‌گرایان و خاص‌گرایا در نوع منفعت است که انتخاب کرده‌اند. در یکجانبه‌گرایی آمریکایی هژمونی حاکمیت آمریکا در حوزه‌های بین‌المللی به صورت هدف رخ نمود و ارکان نظام حقوقی آمریکایی بویژه دوان عالی در عرصه‌هایی که با حقوق بین‌الملل در تماس است طوری عمل می‌کنند که انگار غلبه پارادایم حاکمیت آمریکا مورد قبول عموم قرار گرفته و سوق یافتگی به سمت حقوق بین‌الملل نوین با محوریت این الگو و پارادایم شروع شده است (Odermatt, ۲۰۱۴: ۶۹۸).

۴-۱-۳- سیاست محوری

از دید دولت آمریکا و حقوق‌دانان آمریکایی حقوق بین‌الملل تابعی از پروسه‌ی سیاست‌گذاری است و بنابراین رفتارها و موضع‌گیری‌های این دولت موافق با سیاست‌های اتخاذی در فرآیند یاد شده است. یکجانبه‌گرایی آمریکا و خاص‌گرایی آن قویا تحت تاثیر اراده تصمیم‌گیرانی است که سیاست برتری دادن به نظام حقوقی آمریکا در برابر نظام‌های بین‌المللی و یا نظامات سایر کشورها را دارند (Hoffmann, ۲۰۱۱: ۸۶). ایالات متحده آمریکا با این ادعا که هر کشوری باید توانایی آن را داشته باشد که حقوق بین‌الملل را به روش خود اجرا نماید، حقوق بین‌الملل را مختل نموده و هر کجا منفعتش متقاضی نماید دست به ابداع و ابتکار می‌زند (Nolte & Aust, ۲۰۱۳: ۴۲۵). سیاست زدگی سبب بدبینی مردم آن در زمینه حقوق نسل دوم و دیگران در خصوص توسل به جنگ درباره یکجانبه‌گرایی آمریکایی شد (Ignatieff, ۲۰۰۵: ۲۵). هرگاه یکجانبه‌گرا به دنبال منافع مشروع و مطابق با قواعد گام بردارد، این نوعی خاص‌گرایی است که مذموم نمی‌باشد اما در صورتی که چندجانبه‌گرایی و یا عام‌گرایی در الگویی رسمی به حمایت از بی‌عدالتی مبتلا شود چاره‌ای به توسل به خاص‌گرایی موجه نیست (Kirchin, ۲۰۰۷: ۲).

۴-۲- چندجانبه‌گرایی و الگوی حقوقی

هرچند تأسیس اتحادیه اروپایی، مبتنی بر چندجانبه‌گرایی بوده ولی خود چندجانبه‌گرایی هم اکنون از چالش‌هایی به شمار می‌رود که حتی در حال حاضر نیز آن اتحادیه، هم در موضوعات داخلی و هم در سیاست خارجی، چه به صورت نظری و چه به صورت عملی کماکان مواجه است و در هر دو

سطح با آن موضوع در حال دست و پنجه نرم نمودن است. کلیه پیشرفت‌های اتحادیه اروپایی طی دهه‌های گذشته، چه در زمینه داخلی و چه در زمینه سیاست خارجی مبتنی بر نظم چند جانبه گرایانه بنا نهاده شده است. سیاست خارجی و امنیت مشترک اروپا به نحوی کاملاً مستقیم موضوعاتی مانند حقوق بشر، حاکمیت قانون، حقوق بین الملل و چندجانبه گرایی مؤثر و غیره مرتبط است.

۴-۲-۱- اتکا به حقوق بشر

برخلاف آمریکا، اتحادیه اروپا برای جبران فقدان قدرت نظامی بر مولفه حقوق بشر بیشتر اصرار داشته (Bubnyt, ۲۰۱۵: ۵۱)، از حقوق بشر حمایت کرده که از طرف آن رشد یافته و مطابق با ارزش‌های بنیادین حقوق اروپا است، بنابراین حقوق بشر مطابق منافع و هنجارهای ارزشی اروپا در حرکت می باشد (Cantwell, ۲۰۱۵: ۶۹۰). اروپا نیز مدعی برقراری امنیت جهانی است ولی بجای اصرار بر نظامی گری به منظور دفاع از حقوق بشر و مبارزه با فقر گام برداشته و با تجویز الگوهای مناسب تر برای حکمرانی و مودت‌های اقتصادمحور به دولت‌های دیگر ضمن مخالفت با نظامی گری و توان نظامی آمریکا، بر دامنه قدرت خود افزود (Bradford & Posner, ۲۰۱۱: ۱۹).

اروپا برای گسترده نمودن چندجانبه گرایی خود دو مورد حقوق بشری را تاکیدا پیگیری بوده است: ۱- حمایت مؤثر و مطلوب از حقوق انسانی را ملاک عمل قرار داده و هر وقت در فرآیند حقوق بین الملل حقوق بشری نقض و نادیده گرفته شد تبعیت از آن فرآیند را متوقف نمود (Kokott & Sobotta, ۲۰۱۲: ۱۰۱۸). به عنوان نمونه در مورد پرونده کادی و برخلاف ذهنیت‌های موجود دیوان در مورد لازم‌الاتباع بودن تصمیم‌های شورای امنیت اجرای قطعنامه‌های شورا را به علت نقض حقوق بشر در حوزه اروپا متوقف نمود. موضوع دیگر برتری بخشیدن به قوانین و حقوق در برابر امنیت است (Larik, ۲۰۱۰: ۱۶۹). دیوان اروپایی دادگستری در آرای گوناگون با تاکید بر ضرورت وجود ابزار ماهوی و شکلی جهت تضمین حقوق بنیادین بشری در مورد نقض حقوق برای برقراری امنیت، نقش بازدارنده قدری را ایفا نمود، بطوریکه گاه سازمان ملل متحد و شورای امنیت دست به اصلاحات در سازوکار زده اند.

۴-۲-۲- منطقه گرایی

اتحادیه اروپا با حاکمیت گرایی مقابله نموده و سعی زیادی دارد تا حکومت قواعد و قوانین را به نظامی حقوقی داخلی اعضای خود رسوخ و نفوذ بدهد و حاکمیت منطقه ای اتحادیه اروپا را بر حاکمیت هر یک از اعضا ترجیح دهد (Nolte & Aust, ۲۰۱۳: ۱۸). در هر زمانی که ارگانی همتراز اتحادیه اروپا دست به یکجانبه گرایی یا خاص گرایی حقوقی بزند تا بتواند مقرراتی همتراز و موازی با قوانین بین الملل ایجاد نماید منطقه گرایی ایجاد کرده است (Leonhard, ۱۹۶۸: ۷۸۰).

۴-۲-۳- فردمحوری

معمولاً دولت‌ها به تاسیس نهادهای بین المللی اقدام می کنند ولی این سازمان‌ها تدریجاً در رویه خود روند ناصحیحی را معمولاً در اثر نفوذ و یکجانبه گرایی یک دولت جایگزین اصول اساسی حقوق می

کنند مثلاً شورای امنیت از زمان تشکیل کم کم به مکانی مبدل شد که با بهانه‌های مختلف تامین امنیت بین‌المللی در بسیاری از موارد نقض حقوق بشر و یکجانبه‌گرایی دولت‌ها را نادیده می‌گیرد و برخلاف اصول حقوقی مبادرت به صدور قطعنامه می‌کند که نمونه بارز آن در قضیه فلسطین است. اتحادیه اروپا در حین تامین منافع خود توجه ویژه‌ای به مشروع بودن حرکت‌های چندجانبه‌گرایانه خود داشته است. ارگان‌های گوناگون آن با استناد دادن به مواردی همانند غیرعادلانه بودن رویه‌ها و روندها و فرآیندهای حقوقی بین‌المللی، مقابله با صورتگرایی و تشریفات حقوقی، برتری دادن به حقوق انسانی در مقابل امنیت، مبارزه با مصونیت از نظارت قضایی و تلاش برای حاکمیت قانون رویکردی دیگر و متفاوت نسبت به حقوق بین‌الملل عام گرفته است (Wood & Tridimas, ۲۰۰۹: ۱۰). این اتحادیه هر چند به دنبال اجرای دکترین چندجانبه‌گرایی موثر به جای نهاد چندجانبه است اما روشی را استفاده می‌کند که نسبت به روش آمریکایی منفعت بیشتری برای همه به ارمغان می‌آورد و موافقت بیشتری با عدالت دارد (Léonard & Kaunert, ۲۰۱۲: ۴۸۰). الگوی اروپایی از چندجانبه‌گرایی این موضع را ترویج می‌دهد که اتحادیه اروپا قصد عدالت خواهی را داشته به طوریکه به تمام حقوق بین‌الملل سرایت نموده و برای دیگران هم خوشایند است (Williams, ۲۰۱۳: ۳۸-۴۱) اروپا به دنبال مشروعیت بخشیدن به اعمال و رویکردهای چندجانبه‌گرایانه خود است.

۳-۴- یکجانبه‌گرایی آمریکا پس از یازده سپتامبر و چندجانبه‌گرایی اروپا

حادثه یازده سپتامبر اثر زیادی بر روابط بین‌کشورها در سطح بین‌الملل من جمله روابط کشورهای اروپایی و آمریکا داشته است. تغییر جهت اروپا به خاورمیانه و اروپای شرقی و حساسیت زدایی از روسیه بخشی از تحولات اروپا و تمایل به جانب‌های دیگر بوده است و ناتو به عنوان مهمترین ابزار پیوند دهنده اروپا و آمریکا نقشی فعال داشته است. بعد از ۱۱ سپتامبر آمریکا به عملیات گسترده یکجانبه‌گرانه‌ای دست زد و بعد از چند ماه به افغانستان حمله کرد. در این مورد ناتو پیشنهاد بکارگیری امکانات خود برای همکاری با آمریکا را داد اما آمریکا با آن مخالفت کرد و متحدین خود را دخالت نداد. دکترین جنگ پیشدستانه بوش به عنوان بخشی از استراتژی امنیتی آمریکا در استراتژی داخلی آن فرمول بندی شد. تغییر رژیم و جنگ پیش‌دستانه با مخالفت گسترده اروپا همراه شد و در مسائلی دیگر مانند عراق، گوانتانامو و فلسطین بین دو طرف اختلافاتی رخ داد چرا که کشورهای اروپایی اصرار داشتند که بجای جنگ و تکروری نظامی باید به ریشه‌ترویسم توجه نمود (Howorth, ۲۰۰۳, ۱۹).

کشورهای اروپایی بویژه آلمان و فرانسه با هرگونه اقدام خارج از چارچوب سازمان ملل مخالفت می‌کردند. اروپا مثلاً در برابر عراق خواستار روشی چندجانبه و دیپلماتیک بود ولی آمریکا طرفدار نظامی‌گری بود. آنها به دو زبان مختلف صحبت می‌کردند (Howorth, ۲۰۰۳, ۲۴). در حقیقت آمریکا تصور بر این داشت که به علت برتری سخت‌افزاری و نظامی اروپا از وی پیروی می‌کند و اروپا نیز تابعیت کامل را نمی‌توانست پذیرا باشد (Dassu and Menotti, ۲۰۰۵, ۱۰۵).

در واقع یکجانبه گرایی آمریکا در دوران جنگ عراق و افغانستان همکاری دو طرف آتلانتیک را به مخاطره انداخته بود، و پس از این بحران ها دو طدف آتلانتیک تلاش کردند با تعدیل رفتارهای خود بار دیگر در برابر تهدیدات جدید و فزاینده، تروریسم و سلاح های کشتار جمعی متحد عمل کنند. آنها درک کرده اند که عمل یکجانبه (در عراق) و قدرت سخت افزاری به تنهایی قادر به حل مشکلات نیست و در مسئله توان هسته ای ایران در مراحل اولیه دست به همکاری زده اند. اروپا از سویی مقابله با تهدیدات جدید و چالش اسلام گرایی و سلاح های کشتار جمعی محتاج آمریکا بوده و آمریکا نیز سعی نداشت تا تجربه عمل یکجانبه در عراق و محرومیت از حمایت های بین المللی و متحدین اروپایی را تکرار نماید ریال پس هماهنگی های اولیه در مسئله هسته ای مولفه مشترک آنها شد.

اما با ورود دونالد ترامپ به جایگاه ریاست جمهوری در آمریکا، وضع تغییر کرده و دوباره یکجانبه گرایی آمریکا شعله ور شد. خروج یکجانبه از توافق نامه برجام، اعمال تحریم های دوباره علیه ایران افزایش تنش با کره شمالی و چین، ارسال قوای نظامی بدون هماهنگی سازمان ملل به خلیج فارس و افزایش نیروهای نظامی در منطقه خاورمیانه و ... ز جمله فعالیت های یکجانبه و تکروانه ترامپ بوده است.

میزان دقت و همپوشانی فاکتورهای منطقی-حقوقی با راهبردها، دغدغه ها و مسائل دیگر بازیگران است که میزان موفقیت آن منطق را تعیین می کند. نبود چنین منطقی نه تنها موجب تقویت ائتلاف ها در سطح بین المللی و منطقه ای نخواهد شد بلکه زمینه دوری عناصر یک ائتلاف از هم را مهیا می کند. عناصر تعیین کننده دیگر مانند اتحادیه اروپایی در معادلات بین المللی تمایل و قصدی برای قرار گرفتن در کنار منطق یکجانبه گرایانه آمریکا که نافی همه تعهدات بین المللی است را نداشته باشند. این عدم تمایل در سوی دیگر معادله خود را به شکل افزایش تمایلات بین المللی برای رفتن به سمت عناصری نشان می دهد که می توانند در عمل تقویت کننده سیاست چندجانبه گرایانه در سطح جهانی باشند. هر چند امریکای دوران ترامپ معاهدات زیادی را زیر پا گذاشته بود اما خروج از برجام در منظر عرصه بین الملل اصلی ترین نماد سیاست یکجانبه گرایی این کشور بود. در دوره امریکای بعد از برجام قطعاً این کشور دیگر آن منطق سابق و قدرت اجماع سازی قبلی را ندارد و این یعنی خلا در موضع گیری ها و رفتارهای سیاسی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷).

۴-۴- چندجانبه گرایی چین در آسیای مرکزی

امروزه مسیر توسعه چین به عنوان توسعه صلح آمیز شناخته می شود. چین ادعا می کند که از یک روش توسعه علمی، مستقل، باز، صلح آمیز، مشارکتی و مشترک پیروی می کند. سه مفهوم اخیر (توسعه صلح آمیز، مشارکتی و مشترک) به طور مستقیم در ارتباط با رویکرد چندجانبه گرایی چین نسبت به کشورهای خارجی است. چین تحت مفهوم توسعه صلح آمیز از دیپلماسی در خلق یک محیط با ثبات بین المللی که نتیجه آن توسعه داخلی چین است، بهره می برد. وجه اول دیپلماسی مسالمت آمیز چین، اصالت دادن به روابط مسالمت آمیز و پرهیز از مخاصمه با همسایگان و دیگر بازیگران نظام بین الملل، دومین وجه آن

القای احساس امنیت به همسایگان و سومین وجه آن کمک به همسایگان در جهت رشد است (Zhao, ۱۵۹-۱۵۸: ۲۰۰۷).

تحول روابط خارجی چین با آسیای مرکزی را می توان در سه مرحله عمده بررسی کرد: مرحله نخست بین سال های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ است؛ زمانی که چین عمیقاً مشغول برقراری روابط قوی دیپلماتیک با کشورهای آسیای مرکزی بود. در ایرن دوره، سفارتخانه در همه کشورهای آسیای مرکزی تأسیس و مذاکرات اصلی در موضوعات مرزی آغاز شد. مرحله دوم بین سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ اجرا شد و متمرکز بر دیپلماسی اقتصادی بود. این مرحله همراه با دوره ای از تحولات اقتصادی در سین کیانگ و دربرگیرنده دوره ای از گسترش روابط تجاری دوجانبه با کشورهای آسیای مرکزی بود. مرحله سوم از سال ۲۰۰۲ به بعد است. این مرحله متمرکز بر امنیت مرزی است. استراتژی چین در این دوره، متمرکز بر ثبات منطقه با استفاده از همه ابزارهای ممکن است (Shamshidov, ۲۰۱۲: ۳۵).

چین در منطقه آسیای مرکزی از استراتژی چندجانبه گرایی بهره می برد. استراتژی چندجانبه گرایی چین در منطقه آسیای مرکزی، همان اتخا دکترین سی یی مدار دفاعی است. ظهور تهدیدات خارجی از افغانستان، احتمال بی ثباتی سین کیانگ و تشدید حضور نظامی آمریکا در مرزهای قرقیزستان و ازبکستان محرک اصلی چین در اتخاذ استراتژی چندجانبه گرایی در آسیای مرکزی است. چین در راستای اتخاذ استراتژی چندجانبه گرایی خود در منطقه آسیای مرکزی مبادرت به ایجاد سازمان شانگهای کرد. در سال ۱۹۹۸، بیانیه مشترک گروه موسوم به شانگهای ۵ در آلمانی، اعلام می کرد که برای نخستین بار کشورهای عضو (چین، روسیه، قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان) برای نبرد علیه تروریسم متحد خواهند شد و به هیچ روی اجازه نخواهند داد که از خاک آنها جهت فعالیت هایی که حاکمیت، امنیت و نظم اجتماعی دیگر اعضا را به مخاطره اندازد، استفاده شود (رازانی، ۱۳۸۹: ۴۷).

اتخاذ موضع یا عمل یکجانبه گرایانه و متفاوت در برابر قوانین و رویه های حقوق عموم بین المللی با هر هدفی که باشد متفاوت از چندجانبه گرایی است. در چندجانبه گرایی کشورها به دنبال عام گرایی بوده و به دنبال حاکم کردن قواعد یکسان برای موارد مشابه هستند بدون در نظر گرفتن اینکه در نظام داخلی خود چه قواعدی موافق یا مخالف با آن وجود داشته باشد، به عبارتی هماهنگی مقررات در همه سطوح فراملی نتیجه توفیق چندجانبه گرایی در فضای جهانی است بطوریکه ارزش های بالاتر را برای قواعد حقوق بین الملل عمومی نسبت به قواعد و منافع داخلی و یا دلخواهانه دولت ها قائل می شود. یکجانبه گرایی با ادعاهای مختلفی مانند خاص بودن یک کشور از الگوی رفتاری مشابه استفاده نموده، بکارگیری هر یک از رفتارها وابسته به شرایط، منافع و اهدافشان است. اروپا سعی می کند تا با چندجانبه گرایی بیشتر و با تاکید بیشتر بر مفاهیم حقوقی، ایستادگی بر حقوق بشر، مبارزه با فرملیزه بودن حقوق، اعتدال در تک روی ها، فرم معقولانه تری را در مقابل یکجانبه گرایی افراطی و مبتنی بر قدرت سخت نظامی و زور و سیاست محوری آمریکا بجای بگذارد و در نتیجه الگوی منطقی قابل فهم تری را در برابر یکجانبه گرایی که در مجموع با منافع حقوق بین الملل در تعارض است ارائه دهد. یکجانبه گرایی و خود را خاص پنداشتن سبب چندوجهی شدن حقوق و فاصله گرفتن جامعه جهانی از هدف بنیادین حقوق بین الملل می شود که انسجام حقوقی در مناسبات و روابط بین کشورها در فضای بین المللی است. در حقیقت منفعت گرایی و سوسه انگیز در روابط بین المللی دولتی عامل اصلی فاصله گرفتن از حقوق و عدالت و تمایل بیش از حد به یکجانبه گرایی برای منفعت است و دولت یکجانبه گرا سعی در بین المللی کردن قواعد و مقررات شخصی در عرصه بین المللی دارد. چین نیز در منطقه آسیای مرکزی با تهدیدات و منافع استراتژیک مواجه است. امروزه چین تحت مفهوم سیاست همسایه ی خوب و رشد صلح آمیز با اتخاذ استراتژی چندجانبه گرایی سعی در توسعه کشورهای آسیای مرکزی و وابسته کردن آنها به اقتصاد و سیاست چین است. بنابراین چین در طی تاریخ منافع استراتژیک و تهدیداتی را برای خود در منطقه آسیای مرکزی متصور بوده و در راستای دستیابی به منافع و پاسخ به این تهدیدات، از استراتژی چندجانبه گرایی بهره برده است.

منابع و ماخذ

احقاقی، اکرم؛ ۱۳۹۸، اروپا، چند جانبه گرایی مؤثر و آتیه برجام، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، خرداد ماه

علمی یزدی، حمیدرضا، ۱۳۹۸، یکجانبه گرایی و حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

قاسمی، فرهاد؛ (۱۳۸۲)، اصول روابط بین الملل، تهران: میزان

گریفتس؛ مارتین؛ ۱۳۸۸، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان (یک جانبه گرایی)، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.

دهقانی فیروزآبادی، کمال، تقابل یکجانبه گرایی با چند جانبه گرایی، روزنامه ایران، ش ۶۸۸۶، ۷ مهر ۱۳۹۷

رازانی، احسان، ۱۳۸۹، مناسبات امنیتی چین با جمهوری های آسیای مرکزی پس از جنگ سرد، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۷۰

تسخیری، محمد صالح؛ موسی زاده، رضا و علی زاده، مسعود؛ ۱۳۹۷، مطالعه تطبیقی خاص گرایی های حقوقی در قبال حقوق بین الملل: معافیت گرایی امریکایی در برابر کثرت گرایی اتحادیه اروپایی فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۱، بهار، صص ۱۵۹-۱۷۹

Wiseman, G. (۲۰۱۱), Norms and Diplomacy: The Diplomatic Underpinnings of Multilateralism, The New Dynamics of Multilateralism, Boulder CO: Westview Press.

Schechter, M. (۱۹۹۹), Innovation in Multilateralism (Basingstoke: Palgrave Macmillan).

Caporaso, J. (۱۹۹۲), International Relations Theory and Multilateralism: The Search for Foundations, International Organization, Vol. ۴۶, No. ۳: ۵۹۹-۶۳۲.

Ruggie, J. (۱۹۹۲), □Multilateralism: An Anatomy of an Institution□, International Organization, Vol. ۴۶, No. ۳.

Ruggie, J. (۱۹۹۳), Multilateralism Matters: the Theory and Praxis of an Institutional Form, Columbia University Press.

Kingsley, A. P. (۲۰۱۰), Multilateral Diplomacy as an Instrument of Global Governance: The Case of the International Bill of Human Rights, Thesis diss. University of Pretoria.

Bradford, A. & Posner, E. A. (۲۰۱۱). "Universal Exceptionalism in International Law", Harvard International Law Journal, ۵۲ (۱), ۱-۵۴

Nolte, G. & Aust, H. P. (۲۰۱۳). "European exceptionalism", Global Constitutionalism (Cambridge University Press), ۲ (۳), ۴۰۷-۴۳۶.

Bogdandy, A. V. & Dellavalle, S. (۲۰۰۸). "Universalism and Particularism as Paradigms of International Law",. New York, U.S.A: IILJ Working Paper ۲۰۰۸/۳ (History and Theory of International Law Series), International Law and Justice Working Papers, Max-Planck-Institute Institute for Comparative Public Law and International Law and New York University School of Law

Orentlicher, D. F. (۲۰۰۳). "Unilateral Multilateralism: United States Policy Toward the International Criminal Court", Cornell Int'l LJ, ۲۶ (۳), ۴۱۵-۴۳۳.

Safrin, S. (۲۰۰۸). "The Un-Exceptionalism of U.S.Exceptionalism", Vanderbilt Journal of Transnational Law, ۴۱, ۱۳۰۷-۱۳۵۴

Odermatt, J. (۲۰۱۴). "The Court of Justice of the European Union: International or Domestic Court?", Cambridge Journal of International and Comparative Law, ۳ (۳), ۶۹۶-۷۱۸.

Hoffmann, L. (۲۰۱۱). "Becoming Exceptional? American and European Exceptionalism and Their Critics: A Review", *L'Europe en Formation*, ۱ n ۳۵۹, ۸۳-۱۰۶.

Ignatieff, M. (۲۰۰۵). *American Exceptionalism and Human Rights*, In *American Exceptionalism and Human Rights* (pp. ۱-۲۶), United States of America, Princeton University Press

Kirchin, S. (۲۰۰۷). "Moral Particularism: An Introduction", *Journal of Moral Philosophy*, ۴ (۱), ۸-۱۵.

Bubnyt□, K. (۲۰۱۵). "Human Rights Universalism and Particularism in the Jurisprudence of Lithuanian Courts", Vilnius University, Lithuania, ۵۲-۶۴

Cantwell, D. (۲۰۱۵). "A Tale of Two Kadis: Kadi II, Kadi v. Geithner & U.S. Counterterrorism Finance Efforts", *Columbia Journal of Transnational Law*, ۵۳, ۶۵۲-۷۰۰.

Larik, J. (۲۰۱۰). *Two Ships in the Night or in the Same Boat Together: How the ECJ Squared the Circle and Foreshadowed Lisbon in its Kadi Judgment*, *Yearbook of Polish European Studies*, ۱۳, ۱۴۹-۱۷۳.

Kokott, J. & Sobotta, C. (۲۰۱۲). "The Kadi Case ° Constitutional Core Values and International Law ° Finding the Balance?", *The European Journal of International Law*, ۲۳ (۴), ۱۰۱۵-۱۰۲۴

Leonhard, A. T. (۱۹۶۸). "Regional Particularism: The Views of the Latin American Judges on the International Court of Justice", *University of Miami Law Review*, ۲۲, ۶۷۴-۶۸۵.

Léonard, S. & Kaunert, C. (۲۰۱۲). "Between a Rock and a Hard Place?: The European Union□s Financial Sanctions against Suspected Terrorists, Multilateralism and Human Rights", *Cooperation and Conflict (SAGE)*, ۴۷ (۴), ۴۷۳-۴۹۴.

Wood, M. & Tridimas, T. (۲۰۰۹). "UN and EU Sanctions: Human Rights and the Fight against Terrorism ° The Kadi case", Chatham House (Summary of the Chatham House International Law Discussion Group meeting held on ۲۲ January ۲۰۰۹), ۱۵ pages

Williams, A. T. (۲۰۱۳). "The EU interim global justice and the international. In D. & Kochenov", *The European Union's shaping of the international legal order* (pp. ۳۸-۶۱), Cambridge University Press

Czina, V. (۲۰۱۶). "Member State Particularism within the EU: an Analysis Based on the Most Recent Developments of the □Hungarian Affair", Conference of "United or Divided We Stand? Perspectives on the EU's Challenges" (Brussels, ۹-۱۰ May ۲۰۱۶), (pp. ۱-۲۳). Brussels.

Cohen, H. G. (۲۰۰۳). "The American Challenge to International Law: A Tentative Framework for Debate", *Yale J. Int'l L.*, ۲۸, ۵۵۱-۵۷۸.

Dassu, Maita and Roberto Menotti, ۲۰۰۵, *Europe and America in the age of Bush*, survival. No. ۴۷, No. , spring, pp. ۱۰۵-۱۲۲

Howorth, Jolyon. ۲۰۰۳, foreign and defence policy cooperation in the John Peterson (ed), Europe, America, Bush: Transatlantic relations in the Twenty first century (London: Routledge). Pp. ۱۳-۲۸).

Zhao, H. (۲۰۰۷), Central Asia: Views from Washington, Moscow, and Beijing, ME Sharpe.

Shamshidov, K. (۲۰۱۲), □China's approach to multilateralism with an emphasis on its influence in Central Asia, Central Asia and the Caucasus, Vol. ۱۳, No. ۴.